

# نگاهی به نامه نگار

در ادبیات عربی و تأثیر آن بر فن ترسل فارسی  
بررسی و نقد عتبة الکتبه اثر منتجب الدین بدیع، نمونه نشر ترسلی

سید محمد صاحبی \*



\* عتبة الکتبه: مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر.

\* منتجب الدین بدیع اتابک جوینی.

\* تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی.

\* چاپ اول (ناشر)، تهران: اساطیر ۱۳۸۴.

## چکیده

این مقاله از چگونگی و سابقه فن ترسل در زبان عربی، اسلوب موجز و ساده مکاتبه در آغاز اسلام، شیوه پراختاب و انسجام یافته دوران اموی و سبک مصنوع و مکلف دوران عباسی سخن می‌گوید. در ادامه، از تاریخ نامه‌نگاری در ایران، تأثیر رسائل عربی بر نامه‌های فارسی و به‌ویژه از نفوذ سبک عبدالحمید کاتب بر شیوه عتبة الکتبه صحبت می‌کند؛ همچنین به شرح زندگانی منتجب‌الدین بدیع، نویسنده عتبة الکتبه، و روابط او با بزرگان و ادیبان زمان می‌پردازد. نام، اهمیت، سبک و نوع ادبی این متن را بر می‌رسد و درباره رسائل دیوانی و اخوانی آن توضیح می‌دهد و در پایان، از نسخ خطی کتاب و شیوه تصحیح آن سخن می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: عتبة الکتبه، منتجب‌الدین بدیع اتابک جوینی، ترسل، عبدالحمید کاتب.

# خطب‌ها از اعراب جاهلی به خطب‌ها افسانه‌ها روایاتی از این دوران در دست اصالت برخی از اهل جای تربیتی

## مقدمه

عتبة الكتبة نخستین مجموعه مستقل از نامه‌های دیوانی و اخوانی زبان فارسی است؛ بنابراین باید نویسنده آن را موجد سبک و نوعی نوین در ادبیات فارسی دانست. هرچند نامه‌نگاری در ایران باستان رواج داشته است، اما شیوه نامه‌نگاری در زبان فارسی، تأثیراتی فراوان از اسلوب مکاتبات عربی پذیرفته است؛ بر این اساس، شایسته است اشاره‌ای به سابقه این فن در ادب عربی داشته باشیم.

آثار منثور چندانی از اعراب جاهلی به جا نمانده است. خطبه‌ها، افسانه‌ها و روایاتی از این دوران در دست است که در اصالت برخی از آنها جای تردید بسیار است؛ این متون آمیخته‌ای از شعر و نثر و شامل امثال و حکم است و سبک آنها مبتنی بر ایجاز و ایراد اسجاع می‌باشد (نک: الفاخوری، بی تا: ۱۰۷-۱۲۲). نامه‌های پیامبر اسلام (ص) و اصحاب ایشان را می‌توان از نخستین نمونه‌های مکاتبات عربی به شمار آورد؛ مشهورترین این آثار، نامه رسول (ص) به خسرو پرویز و هرقل است. مجموعه‌ای از این متون در کتاب *استاد سیاست اسلامی*، اثر م. حمیدالله مندرج گردیده است (نک: عبدالجلیل، ۱۳۷۶: ۹۵).

گسترش فتوحات اسلامی سبب ایجاد تمدنی بزرگ شد که اداره آن نیازمند تأسیس دواوین گوناگون، از جمله دیوان رسائل، بود. عمر بن خطاب برای اولین بار به نوشتن نامه‌های اداری عنایت نمود؛ در *نهج البلاغه* نیز نامه‌هایی گوناگون از امام علی (ع) آمده است. معاویه در زمان خلافت خود، دیوان رسائل را پایه‌گذاری نمود و پس از او، روز به روز بر اهمیت ترسل افزوده شد. مکاتبات بازمانده از این دوران، موجز و ارتجالی است (نک: الفاخوری، همان: ۳۷۴ - ۳۷۵).

عبدالحمید بن یحیی کاتب (۱۳۲ق) مردی ایرانی‌نژاد بود که در دستگاه مروان بن محمد اموی، به عنوان کاتب خدمت می‌کرد. او برای نخستین بار قواعدی برای نامه‌نگاری وضع کرد

و شیوه‌ای نوین را در ادبیات عرب پی افکند. این کاتب بزرگ، هر نامه را با مقدمه و براءت‌استهلال می‌آغازد، مکتوب را به ارکان مختلف تقسیم می‌نماید، می‌کوشد ارتباطی منطقی میان بخش‌های نامه ایجاد کند و در آثارش از براهین و ادله منطقی بهره می‌جوید. به کار بردن نعوت و عناوین مختلف، تنوع در آغاز و پایان مکتوب، اطناب و تطویل، تضمین آیات قرآن، استفاده از جملات و کلمات مترادف و به کارگیری جملات معترضه، از خصایص اصلی سبک عبدالحمید است. او گه‌گاه در تضاعیف کلام از سجع و دیگر صنایع ادبی بهره می‌گیرد؛ اما هرگز به افراط در سجع‌پردازی متمایل نمی‌شود (همان: ۳۷۶ - ۳۸۰). به نظر می‌رسد عبدالحمید از اسلوب نامه‌نگاری

**آثار منثور چندانی از اعراب جاهلی به جا نمانده است. خطبه‌ها، افسانه‌ها و روایاتی از این دوران در دست است که در اصالت برخی از آنها جای تردید بسیار است؛ این متون آمیخته‌ای از شعر و نثر و شامل امثال و حکم است و سبک آنها مبتنی بر ایجاز و ایراد اسجاع می‌باشد**

در ایران باستان متأثر شده باشد. «در کتاب‌های عربی و فارسی نامه‌هایی از شاهان ساسانی نقل شده است. این آثار متضمن دستور عمل‌ها و خطمشی و سیاست این شاهان است» (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۲۷). ویژگی‌های این نامه‌ها عبارتند از: اسهاب در بیان مطالب، دیباچه‌نویسی و براءت‌استهلال، تقسیم نامه به بخش‌های گوناگون و کاربرد لقب‌ها و ستایش‌های درخور مخاطب (نک: خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۹۹-۳۰۲). همچنین کتابی با نام *درباره آیین نامه‌نویسی در مجموعه متن‌های پهلوی* آمده است که دربردارنده نمونه‌های ویژه مکاتبه در موارد گوناگون و به افراد مختلف است. در این رساله، از القاب مخاطبان نامه‌ها، شیوه نگارش تسلیت‌نامه و چگونگی آغاز و انجام رسائل سخن رفته است (جاماسب: ۱۳۸۲: ۱۳۹-۱۴۳). چه بسا عبدالحمید فارسی‌الاصل از این مرده‌ریگ باستانی بهره‌مند شده باشد.

نامه تنسر مهم‌ترین متن بازمانده از دوران اردشیر ساسانی است. این رساله را تنسر، موبد موبدان اردشیر، در پاسخ به گشسب، پادشاه طبرستان، نوشت. ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ق) این متن را به زبان عربی ترجمه نمود و سپس ابن اسفندیار آن را به فارسی بازگرداند و در *تاریخ طبرستان* گنجانید (نک: تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۲۸). متن عربی نامه از میان رفته است؛ اما می‌توان حدس زد که ترجمه عربی نامه تنسر در پیشرفت فن ترسل عربی مؤثر بوده است.

در دوران بنی‌عباس، کاتبان طبقه‌ای مهم را به وجود آوردند. در این روزگار، نثر فنی و مصنوع جای



نثر مرسل را گرفت و سبب‌ساز گرایش منشیان به این شیوه گشت. ابن‌العمید (۳۶۰ق) را باید بانی رسائل فنی دانست. وی وزیر و منشی آل‌بویه بود. اطناب، افراط در تسجیع و استفاده از دیگر صنایع بدیعی، تضمین آیات قرآنی و اشعار و امثال، و تلمیح به وقایع تاریخی از خصایص بارز مجموعه رسائل ابن‌العمید است. درباره او گفته‌اند: «بدئت الکتابه بعدالحمید و ختمت یابن‌العمید» (هاشمی، ۱۴۱۹ ق: ۲۹۷). صاحب بن عبّاد (۳۸۵ ق) یکی دیگر از وزیران آل‌بویه بود که سبکی شبیه به ابن‌العمید داشت. رسائل ابوبکر خوارزمی (۳۹۳ ق) از نثر ایشان مصنوع‌تر است و گه‌گاه حشوهای زائد در آن به چشم می‌خورد. سرانجام القاضی الفاضل (۵۵۸ ق) تصنع و تکلف را در انشاء رسائل به اوج خود رساند (نک: عبدالجلیل، ۱۳۷۶: ۲۰۰-۲۰۲).

اعراب در اتخاذ این سبک مصنوع نیز از شیوه نگارش نامه‌های ایران باستان متأثر شدند. کریستن‌سن درباره نامه‌های روزگار ساسانی می‌نویسد: «اسناد رسمی و نامه‌های خصوصی همیشه می‌بایست به صورت مصنوع و سبک مقرر تحریر گردد. در این نامه‌ها نقل‌قول بزرگان و نصایح اخلاقی و پندهای دینی و اشعار و لطایف و امثال آن وارد می‌شد» (کریستن‌سن، ۱۳۸۴: ۹۴).

در ایران اسلامی، از آغاز تشکیل دولت‌های مستقل تا قرن پنجم هجری، مکاتیب رسمی به زبان عربی انشاء می‌شد؛ اما در قرن پنجم، ابوالعباس اسفراینی، وزیر سلطان محمود غزنوی،

### نامه‌های پیامبر اسلام (ص) و اصحاب

ایشان را می‌توان از نخستین نمونه‌های

مکاتبات عربی به شمار آورد؛ مشهورترین

این آثار، نامه رسول (ص) به خسرو پرویز و

هرقل است

نامه‌های پیامبر  
اسلام (ص) و  
اصحاب ایشان  
را می‌توان  
از نخستین  
نمونه‌های  
مکاتبات عربی  
به شمار آورد؛  
مشهورترین  
این آثار، نامه  
رسول (ص) به  
خسرو پرویز و  
هرقل است



زبان دیوانی را از عربی به فارسی برگرداند و قواعدی برای نگارش نامه‌های فارسی وضع نمود. نخستین نمونه‌های ترسالات فارسی را می‌توان در تاریخ بیهقی یافت که از این میان، نامه‌های بونصر مشکان از فصاحت و نظمی خاص برخوردار است. پس از این، امام محمد غزالی و عین‌القضات همدانی مجموعه‌ای از نامه‌ها و مکاتیب خود تدوین کردند؛ اما این آثار را نمی‌توان از نوع نامه‌های اداری و اخوانی مرسوم دانست و باید آنها را رسالاتی عرفانی و دینی به حساب آورد که در قالب نامه نگارش یافته‌اند (نک: رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۹۳-۱۹۴).

همان گونه که در آغاز اشاره شد، عتبه الکتبه نخستین مجموعه مستقل از نامه‌های دیوانی و اخوانی زبان فارسی است. شیوه نگارش این کتاب شباهت بسیاری به اسلوب عبدالحمید کاتب دارد؛ تا حدی که می‌توان منتجب‌الدین بدیع را پیرو عبدالحمید به شمار آورد (ر. ک: همین مقاله، ۳. سبک کتاب). به طور کلی، شیوه انشای مکاتیب فارسی در قرن پنجم و اوایل قرن ششم تحت تأثیر مستقیم عبدالحمید است (خطیبی، ۱۳۷۵: ۳۱۶-۳۱۷)؛ اما از اواسط قرن ششم، دبیران فارسی‌نگار به شیوه ابن‌العمید و ابوبکر خوارزمی گرایش یافتند و تصنع و عبارت‌پردازی را به مراسلات فارسی وارد کردند. رشید وطواط در مجموعه رسائل خود، که ابکار/الافکار خواند می‌شود، از روش ابن‌العمید پیروی کرد. بهاء‌الدین بغدادی نیز در التوسل الی الترسل روش ابوبکر خوارزمی را در پی گرفت؛ التوسل الی الترسل را باید یکی از بهترین نمونه‌های نثر فنی و درباری قرن ششم دانست. فراوانی واژگان و عبارات عربی، کثرت مترادفات و سجع و موازنه و صنایع دیگر، تضمین آیات قرآنی و احادیث و اشعار و امثال، و حذف افعال بدون قرینه از ویژگی‌های سبکی این کتاب است. در قرن‌های دیگر نیز آثاری متکلف همانند منشآت رشیدالدین فضل‌الله، مکاتیب عمادالدین گاوآن، منشآت قاضی میرحسین میبیدی و ... پدید آمد که اکثر آنها متابع اسلوب ابن‌العمیدند.

### زندگانی نویسندگان

علی ابن احمد کاتب، ملقب به منتجب‌الدین بدیع جوینی، از نوادگان قابوس بن وشمگیر، مؤلف قابوسنامه، و از اجداد علاءالدین عظاملک جوینی، مؤلف تاریخ جهانگشاست. از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست؛ تنها می‌دانیم که به قصد آموختن دبیری، در سال ۵۱۶ هـ ق به مرو رفت (صفا، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۹۷) و پس از اتمام تحصیلات، به نزد شرف‌الدین ظهیر بیهقی، مشاور سپهسالار عزالدین انر، رفت و در دیوان رسائل مشغول به کار شد؛ اما شرف‌الدین بیهقی از شیوه نگارش او راضی نبود و منشآت علی بن احمد کاتب

را اصلاح و تنقیح می‌کرد. در همین روزگار، به همراه مخدوم خود به مشهد سفر کرد و در کنار آرامگاه امام رضا (ع) تضرع و دعا نمود تا در کار دبیری مهارت یابد و کلامش به فصاحت و بلاغت مزین شود. پس از این زاری و ابتهاج، جواب نامه یکی از بزرگان عصر را نوشت و نسخه آن را به مخدوم خود رسانید. شرف‌الدین بیهقی این بار کار او را پسندید. علی ابن احمد کاتب به یاری همین مرد به دربار سلطان سنجر سلجوقی راه یافت و در سال ۵۲۴ فتحنامه‌ای به زبان عربی نوشت. سلطان سنجر این اثر را تحسین نمود و کار منتجب‌الدین بدیع بالا گرفت تا منشی و ندیم سلطان شد (نک: کاتب، ۱۳۸۴: ۳-۵).

در سال ۵۴۲ سنجر برای جنگ با آتسز خوارزمشاه به خوارزم لشکر کشید و قلعه هزاراسب را محاصره کرد. انوری در این سفر سنجر را همراهی می‌کرد؛ رشید و طواط نیز در طرف آتسز بود. این دو شاعر با نوشتن اشعاری بر تیر، به مشاعره و مناظره پرداختند. رشید بر یکی از تیرها نوشت:

چون ملک آتسز به تخت ملک برآمد  
دولت سلجوق و آل سلجوق به سر آمد

این ابیات سبب رنجش سنجر گردید و باعث شد تا او قسم بخورد که رشید را به هفت پاره کند. پس از شکست آتسز، رشید متواری شد. علی بن احمد کاتب نزد سنجر برای و طواط شفاعت کرد. در تذکرة الشعراء در این باره می‌خوانیم که: «منتجب‌الدین

نامه تنسر مهم‌ترین متن بازمانده از دوران اردشیر ساسانی است. این رساله را تنسر، موید موبدان اردشیر، در پاسخ به گشسب، پادشاه طبرستان، نوشت. ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ق) این متن را به زبان عربی ترجمه نمود و سپس ابن اسفندیار آن را به فارسی بازگرداند و در تاریخ طبرستان گنجاند

نامه تنسر  
مهم‌ترین متن بازمانده از دوران اردشیر ساسانی است  
این رساله را  
تفسیر موید  
موبدان اردشیر،  
در پاسخ به  
گشسب، پادشاه

بدیع به سلطان عرضه داشت کرد که و طواط مرغکی است بسیار خرد و ضعیف؛ او را هفت پاره نمی‌توان کرد. ای سلطان عالم، بفرمای تا او را دو پاره کنند. سلطان بخندید و بدین لطیفه، از سر خون و طواط درگذشت» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۹۱).

منتجب‌الدین کتاب خود را به امر ناصرالدین طاهر، فرزند خواجه نظام‌الملک توسی، بین سال‌های ۵۲۸ تا ۵۴۸ تدوین کرد؛ اما دو مکتوب در این اثر دیده می‌شود که راجع است به رکن‌الدین محمدخان، خواهرزاده سنجر، که پس از وفات او مدتی در خراسان حکومت کرد. درگذشت سنجر به سال ۵۵۲ بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت منتجب‌الدین بدیع کتاب خود را پس از سال ۵۴۸ بازبینی و تکمیل کرده است (نک: کاتب، ۱۳۸۴: ه). دو کتاب دیگر به نام‌های رقیة القلم و عبرات الکتیبة

نیز منسوب بدوست؛ اما این دو اثر به دست ما نرسیده است (صفا، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۹۷۱).

#### نام و اهمیت کتاب

نویسنده در مقدمه درباره نام کتاب می‌گوید: «و این مجموعه را عتبه الکتیبة نام نهاده شد؛ به امید آنکه داندگان آن صناعت و شناسندگان این بضاعت، تأمل در آن به نظر عنایت و شفقت فرمایند» (کاتب، ۱۳۸۴: ۵).

سعدالدین وراوینی درباره اهمیت این کتاب در مرزبان‌نامه می‌نویسد: «مجموعه‌ای از مکاتبات منتجب بدیعی، که به بدایع و روابی کلمات و نکات مشحون است؛ لطف از متانت در آویخته و جزالت با سلاست آمیخته و آن را عتبه کتبه نام کرده. کتاب محقق آن عتبه را بسی بوسیده‌اند و به مراقی غایاتش نرسیده و گروهی آن را خود غنیه خوانده‌اند، که معنی شیوه‌ای است از طلب جوانی افکار دیرانه» (وراوینی، ۱۳۷۵: ۱۰).

علامه قزوینی هم می‌گوید: «منشآت مذکور، مدت‌ها در ممالک فارسی‌زبان سرمشق انشا و فصاحت و حسن تعبیر محسوب می‌شده است» (قزوینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۵۲۷).

این کتاب از دید تاریخی نیز ارجمند است؛ زیرا که به گفته علامه: «معلومات کثیره‌ای راجع به بسیاری از امرا و حکام و رجال دولت و علما و فقها و قضات عهد سنجرى بالعرض از آن استنباط می‌شود» (همان: ۵۲۹).

#### سبک کتاب

عتبه از منشآت دوره سلجوقی است و می‌توان آن را نثری بینابین دانست؛ کتابی که هم از ویژگی‌های نثر مصنوع در آن اثر هست و هم از خصایص نثر مرسل. به طور کلی، ویژگی‌های سبکی آن را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. اطناب و اسهاب، که در مواردی سبب ملالت می‌شود.
۲. بهره‌گیری از مترادفات گوناگون در سطح واژگان و عبارات



# مجموعه‌های مستقل از نامه‌های دیوانی و اخوانی منتخب شده است یکارزش این کتاب تسلیم است به اسلوب عبدالحمید کاتب پیر و عبدالحمید کاتب تا حدی که می‌توان منتجب‌الدین بدیع را پیر و عبدالحمید به شمار آورد

## عتبة الکتبة نخستین مجموعه مستقل

از نامه‌های دیوانی و اخوانی زبان فارسی

است. شیوه نگارش این کتاب شباهت

بسیاری به اسلوب عبدالحمید کاتب دارد؛

تا حدی که می‌توان منتجب‌الدین بدیع را

پیر و عبدالحمید به شمار آورد

مختلف مذهبی، سیاسی، ادبی، علمی و غیره نیز طرح و بحث  
شود» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۹۱).

هر نامه از لحاظ صوری به سه بخشی تقسیم می‌شود:

۱. عنوان نامه یا مطلع آن، که شامل نام و القاب گیرنده نامه  
و ستایش اوست.

۲. تنه یا متن اصلی.

۳. بخش پایانی که شامل عبارات تکریم‌آمیز و دعاگونه است  
(همان: ۱۹۲).

مراسلات عربی به سه دسته دیوانی، اخوانی و توقیعی تقسیم  
می‌شود. رسائل دیوانی شامل نامه‌های خلفاء و سلاطین،  
وزراء و امراء و به طور کلی، مکاتبات رسمی و اداری است.  
رسائل جهاد، فتحنامه‌ها، مناشیر و فرمان‌ها، مبیعات و عهود،  
زیرمجموعه‌های رسائل دیوانی را تشکیل می‌دهند  
(نک: سعد عیسی، ۱۹۹۱: ۱۷ - ۲۹).

در زبان فارسی رسائل دیوانی را «سلطانیات»  
می‌نامند. عتبه الکتبه شامل ۶۴ نامه است؛ ۳۳  
مکتوب آغازین آن از نوع سلطانیات است و مابقی  
از گونه اخوانیات. رسائل دیوانی این کتاب بیشتر  
حاوی مناشیر و فرمان‌هاست. مناشیر و فرمان‌ها،  
نامه‌هایی بود که بیشتر از جانب سلطان یا خلیفه در  
تفویض مناصب و مشاغل مهمی همچون وزارت،  
امارت، سپهسالاری و ... نوشته می‌شد و به توقیع  
حاکم می‌رسید. منشور دارای ارکان و ساختاری بود  
بدین قرار:

۱. خطبه، که مقدمه‌ای بود در ستایش مخاطب  
نامه و شایستگی او برای احراز مقام مورد نظر. در

و جملات.

۳. وفور واژگان و عبارات عربی؛ در این کتاب، در مقایسه  
با التوسل إلى التوسل و دیگر منشآت مشهور، میزان واژگان و  
عبارات غریب عربی کمتر است؛ اما به هر روی، کلمات تازی  
بسیاری در آن به کار رفته است که برخی را می‌توان از شواهد  
غرابت استعمال دانست.

۴. درج آیات قرآنی و احادیث و اقوال و ابیات عربی به میزانی  
اندک در متن.

۵. تکرار مطالب؛ عتبه مجموعه‌ای است از نامه‌های گوناگون  
که واژگان، عبارت، جملات، آیات و اقوال و حتی محتوای بیشتر  
آنها یکسان و یکنواخت است.

۶. گه‌گاه برخی از صنایع ادبی، از قبیل سجع و موازنه، در  
آن دیده می‌شود.

۷. جملات این کتاب، بلند و طولانی است و در خلال متن  
جمله‌های معترضه فراوانی به چشم می‌خورد.

۸. برخی از ویژگی‌های نثر مرسل فارسی دوران سامانی و  
غزنوی نیز در متن دیده می‌شود؛ همانند به کار بردن افعال  
پیشوندی، «را»های زائد و...

ملک‌الشعرا بهار درباره سبک عتبه می‌گوید: «شیوه این  
مراسلات بر پایه و اساس نثر ابوالمعالی غزنوی است، جز اینکه  
اسجاع در این زیادتر است و اطناب‌هایی هم که لازم و ملزوم  
مکاتبات دیوانی می‌باشد، در آن منشآت دیده می‌شود و این هر  
دو در کلیله و دمنه نیست» (بهار، ۱۳۷۶: ج ۳، ص ۸۶۹).

گویا ملک‌الشعرا در متن این کتاب دقت نکرده‌اند؛ زیرا همان  
گونه که گفتیم، کاربرد صنایع ادبی، همچون سجع، در عتبه  
فراوان نیست؛ افزون بر این، خود علی بن احمد در مقدمه کتاب،  
در نقد سجع‌سازی و قرینه‌پردازی می‌گوید: «و مُفْلِقان و بُلغای  
روزگار، سخن نثر از تکلف سجع و ایراد قراین مصون داشته‌اند،  
آلا که قرینه و سجوی بی‌تکلف ایراد، متعاقب و متواتر گردد، که  
آن پسندیده دارند» (کاتب، ۱۳۸۴: ۱).

این بررسی به خوبی نشان می‌دهد که سبک  
عتبه الکتبه تا چه حد به اسلوب عبدالحمید کاتب  
نزدیک است؛ گویا نخستین دبیر فارسی‌نویس  
تبعیت از اولین کاتب عرب را همواره مدنظر داشته  
است.

## نوع کتاب

برخی از صاحب‌نظران، همچون دکتر رزمجو،  
نامه‌نگاری را از انواع ادبی به شمار می‌آورند. او در  
این باب می‌گوید: «نامه یا رقع، که بدان رساله  
و مکتوب نیز گفته‌اند، نوشته‌ای است که کسی  
خطاب به دیگری نویسد و یا گفت‌وگویی است  
مکتوب میان دو یا چند تن، که ضمن آن، غیر از  
مبادله پیام و یا اظهار دوستی و محبت، گاه مسائل



این بخش، از آیات و احادیث قرآنی نیز استفاده می‌شد.

۲. بیان اهمیت و عظمت شغل مَفُوض.

۳. نام و القاب مخاطب و ستایش او.

۴. وصایا، که شامل دستورهایی به مخاطب بود.

۵. وظایف، بیانگر وظایف دیگر صاحب‌منصبان و آحاد مردم

نسبت به مخاطب بود.

۶. خاتمه (نک: خطیبی، ۱۳۷۵: ۳۶۵-۳۶۹).

بخش دوم عتبه الکتبه شامل اخوانیات است. اخوانیات نامه‌هایی غیر رسمی و دوستانه و بیانگر احوال و احساسات درونی نویسنده است. در اخوانیات عربی و فارسی موضوعاتی شاعرانه، همچون شرح اشتیاق و دوستی، مدح، تهنیت، استعطاق و اعتذار مطرح می‌شود. در برخی از اخوانیات عربی، هجو نیز آمده است. عنوان یکی از رسائل اخوانی جاحظ بصری «تربیع و تدویر» است. او در این رساله یکی از معاصرانش را نکوهش و ریشخند می‌کند (نک: سعد عیسی، همان: ۳۵ - ۴۴). این مکتوبات دارای جنبه ادبی بیشتری نسبت به رسائل دیوانی‌اند و کاربرد صنایع ادبی، معانی تغزلی، توصیفات اغراق‌آمیز و صور خیال در آنها رواج بیشتری دارد. اخوانیات حاوی چنین ارکانی است:

۱. رکن صدر مکتوب؛ متنی است مسجّع و ادبی، شامل سلام و تحیات، عبارات دعایی، توصیفات گوناگون و القاب و عناوین مخاطب. در این بخش، گه‌گاه ابیات عربی و فارسی نیز درج می‌شده است.

۲. رکن شرح اشتیاق.

۳. خاتمه؛ که حاوی ادعیه عربی و فارسی و بیان تاریخ صدور نامه به زبان عربی بوده است (خطیبی، ۱۳۷۵: ۴۱۴-۴۱۵).

اما توقیعات به نامه‌هایی موجز و بلیغ اطلاق می‌شود که حاکمان در جواب شکایات یا درخواست‌های کارگزاران خود می‌نویسند (الفاخوری، بی‌تا: ۳۷۱). عتبه الکتبه از داشتن چنین متونی بی‌نصیب مانده است.

### نسخ کتاب

از این اثر نسخه‌ای منحصر به فرد در کتابخانه ملی مصر به شماره ۶۲۹۲ موجود است. این دست‌نویس در سال ۶۷۱ هجری و به خط نسخ کتابت شده است. علامه قزوینی در سال ۱۳۱۰ عکس این نسخه را تهیه کرد و با خود به ایران آورد. همو در مؤسسه السنه شرقیه پترزبورگ مجموعه‌ای از منشآت عهد سلجوقیان و خوارزمشاهیان را به دست آورد که حاوی مراسلاتی از رشید وطواط، صاحب‌دیوان جوینی، عطاملک جوینی و بخشی اندک از عتبه الکتبه بود. علامه از این مجموعه نیز عکس گرفت و سرانجام استاد عباس اقبال در سال ۱۳۲۸ و با اساس قرار دادن نسخه مصر و

استفاده از دست‌نویس پترزبورگ، این کتاب را تصحیح و چاپ نمود. کتاب حاضر به گونه‌ای تجدید چاپ شده است.

### پی‌نوشت

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.

### کتابنامه

- بهار، محمدتقی، ۱۳۷۶، سبک‌شناسی. چاپ نهم، تهران: بدیهه. ج ۳. ج ۳.

- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. چاپ اول، تهران: سخن.

- جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، ۱۳۸۲، متن‌های پهلوی. پژوهش سعید عریان. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- خطیبی، حسین، ۱۳۷۵، فن نثر در ادب پارسی. چاپ دوم، تهران: زوار.

- رزمجو، حسین، ۱۳۷۴، انواع ادبی. چاپ سوم، مشهد: آستان قدس.

- سمرقندی، دولت‌شاه، ۱۳۸۲، تذکره الشعرا. به تصحیح ادوارد براون. چاپ اول، تهران: اساطیر.

- صفاء ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، تاریخ ادبیات در ایران. چاپ چهاردهم، تهران: فردوس. ج ۵. ج ۲.

- عبدالجلیل، ج. م، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات عرب. ترجمه آ. آذرنوش. تهران: چاپ سوم، امیرکبیر.

- الفاخوری، حنا، بی‌تا، الجامع فی تاریخ الادب العربی. بیروت: دارالجلیل.

- فوزی، سعد عیسی، ۱۹۹۱، الترسل فی القرن الثالث الهجری. اسکندریه: دارالمعرفة الجامعیة.

- قزوینی، محمد، ۱۳۶۲، مقالات علامه قزوینی. به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار. چاپ اول، تهران: اساطیر. ج ۲.

- کاتب، علی ابن احمد، ۱۳۸۴، عتبه الکتبه. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. چاپ اول، تهران: اساطیر.

- کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چاپ چهارم، تهران: صدای معاصر.

- وراوینی، سعدالدین، ۱۳۷۵، مرزبان‌نامه. به اهتمام خلیل خطیب‌رهبر. چاپ ششم، تهران: صفیعلی‌شاه.

- هاشمی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۱۹، جواهر الادب، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

